

از لابلای نبشته های روزمره

نظری بر محور مبارزه دهلی و اسلام آباد در افغانستان

بررسی پس منظر حوادث

با در نظر داشت موقعیت ژئوپولیتیکی افغانستان، در گام نخست باید خاطر نشان گردد که کشور عزیز ما بخصوص از نیمه دوم سده بیست تا کنون، بمتابه منطقه و محلی پذیرفته شده که در آن، منافع قدرتهای جهانی و قوتهای منطقوی به مصاف همدیگر قرار گرفته و به رقابت پرداخته اند که در این کارزار، از جمله میتوان یکی هندوستان و دیگری هم پاکستان را بمتابه قوتهای منطقوی نامبرد. دهلی جدید و اسلام آباد، اختلافات و ضد و نقیض گویی های تاریخی و طولانی مدت خود را در فضا و اتمسفر نوین (افغانستان) انتقال داده و در حال حاضر بدنبال شرکت و سهمگیری فعال در تشکیل و ایجاد افغانستان نوین میباشند. هم هندیها و هم پاکستانیها هر کدام بصورت جداگانه، طرحهای مشخصی برای آینده افغانستان با خود دارند.

پاکستان در افغانستان

زمانیکه صحبت از اسلام آباد در میان است، تذکر نقش کلیدی پاکستان در حل و فصل قضایای کشور ما لازمی پنداشته میشود. بصورت مشخص، در مناطق سرحدی پاکستان، افراط گرایان پناه داده شده و از همان مناطق به فعالیتهای تروریستی و خرابکارانه ادامه میدهند. تنها و صرف این اردوی پاکستان است که قادر به قلع و قمع آنها میباشد. پاکستان بدنبال آنست تا در هر نوع مذاکراتی که به آینده کشور ما ارتباط میگیرد، بمتابه عضو در آنها پذیرفته شود، در غیر آن، زمامداران پاکستانی از ظرفیت برهم زدن هر نوع مذاکراتی که کشور متذکره در آن شرکت نداشته باشد، برخوردار میباشند. همچنان باید متذکر گردید که

پاکستان میتواند هر نوع مذاکرات مستقل دولت افغانستان و طالب ها را با موانعی مواجه نماید، عدم موفقیت مذاکرات قبلی که دولت افغانستان با مخالفان انجام داد، همه و همه ناشی از موضعگیری زمامداران و حلقه‌های معین سیاسی- نظامی پاکستان محسوب میگردد. درمورد میتوان از فعالیتهای سازمان استخباراتی پاکستان نامبرد که چند سال قبل ملا عبدالغنی برادر را که آماده مذاکرات صلح با دولت افغانستان بدون شرکت پاکستان بود، بزدان افکند. بدیهی است که درآینده نیز هیچگونه مذاکرات و گفتگو با طالب ها که در آن نقش محوری اسلام آباد مراعات نگردد، به نتیجه و نهایت قابل قبول منجر نخواهد گردید.

درگام بعدی، در محاسبه نظامیان پاکستانی، افغانستان بمتابه حوزه نفوذ پاکستان محسوب میگردد. همچنان، کشور ما بمتابه «حیات خلوت» پاکستان شمرده شده و نظامیان پاکستان، به هیچوجه حاضر نخواهند بود تا موقعیت متذکره متحول و دگرگون گردد. علاوه برآن، نخبگان نظامی کشور یادشده، افغانستان را بمتابه یکی از منابع ستراتیژیک پاکستان بحساب میآورند. مزید برآن، درنظر دارند محیط و فضای کشور ما را بمنظور نیات و اهداف نظامی خود بخدمت گماشته و عمدتاً به ایجاد و سازماندهی گروهبندهای تروریستی در مناطق مختلف پرداخته و آنها را در محلات و بخشهای مورد نظرشان استقرار بخشند تا بمفهوم وسیع کلمه درخدمت منافع پاکستان به فعالیت پرداخته و افغانستان عزیز، بیش ازپیش بمتابه «عمق ستراتیژیک» در خدمت منافع نظامیان و جنرالان پاکستانی قرار گیرد. پس از اینهمه، موجودیت رژیم وفادار به اسلام آباد در افغانستان، ممکن ساحه مانورزمینه تجدید قوا برای کشورنامبرده را در صورت برخورد و درگیری با هندوستان، فراهم و مساعد نماید. مجدداً باید خاطر نشان گردد که در صورت ضدیت و مخالفتهای هندوستان با پاکستان، افغانستان برای پاکستان از اهمیت ستراتیژیک بالایی برخوردار میباشد.

درسومین حالت، پاکستان نمیخواهد اجازه دهد تا در افغانستان، رژیم وفادار به هندوستان تشکیل گردد، مطابق محاسبه سیاستمداران پاکستانی، در چنین حالتی، پاکستان در یک محیط جنگی و مملو از رقابت محصور خواهد گردید. پاکستان درصدد آن میباشد تا بهر نوع ممکن، تأثیر و نفوذ هندوستان را در افغانستان کاهش بخشد.

پاکستان را اینچنین باید تعریف نمود: کشوری که در آن تضادهای نهایت خطر آفرین در حال ظهور است، در کشوری که در همی و برهمی و فشار در حال گسترش بوده و در نتیجه تحکیم اسلام سیاسی و موجودیت بحران قدرت، پروسه خزنده «طالبانی» در حال تکوین میباشد. همراه با این، نیروهای مسلح پاکستان در امر مبارزه علیه طالب ها و «القاعده»، متحد ناتو شمرده میشوند و در چوکات اجرای وظایف تعیین شده، پاکستان به اجرای عملیتهای نظامی علیه تروریست ها در مناطق شمال غربی آن کشور، مبادرت میورزد.

ازجانب دیگر، اقدامات امریکایی ها، آنها را نزد اهالی محل بسیار منفور نموده است. باشندگان مناطق هم مرز با افغانستان، محلاتیکه در آنها عملیات های ضد تروریستی انجام میگردد، متحمل خسارات شده و اهالی دارو ندارشانرا از دست دادند، افراد و اشخاص بیشماری در این مناطق در نتیجه بمباردانهای هواپیما های بدون سرنشین امریکایی از زندگی ساقط گردیدند، بسیاری از باشندگان مناطق ذکر شده، خانه و کاشانه شانرا از دست داده و به سایر مناطق پاکستان مهاجر شدند. هزاران باشندده وزیرستان شمالی و وزیرستان جنوبی پاکستان به ایالت های دیگر آنکشور نقل مکان نمودند تا از حملات هوایی ناتو و اقدامات تخریبکارانه طالب ها در امان باشند.

در شرایط و وضعیت کنونی، با تبعیت کامل ارتش پاکستان از خواسته های ایالات متحده، بناچار به موج جدیدی از خشم مردم منجر گردیده و زمینه های همدردی با افراطیون و دهشتگران را بیار آورد. سردمداران حاکمیت پاکستانی، اصلاً قادر به خروج از وضعیت و شرایط نازک و حساس کنونی نبوده، توان بررسی راههای بیرون رفت از وضع را نداشته و در واقعیت امر، با عملکردهایشان به طالب ها مدد می‌رساندند. با حمله و تهاجم ارتشیان پاکستان به دره سوات، موجبات موفقیت طالب ها را فراهم نمودند که در نتیجه نه تنها تهدیداتی را علیه مناطق پشتون نشین بیار آورد، بلکه اقدامات اینچنینی را در سایر مناطق و بخشهای پاکستان نیز براه انداخت. ارتش پاکستان، در نخستین اقدام به طالب های گستاخ، روحیه بخشید، اما با اینهمه، سوار بر شانه های جنگجویان، وارد وزیرستان شمالی نگردید. ممکن، دلیل وبرهان مسأله فوق، سرازیرگردیدن سیلاب شدید در منطقه و یا چنانچه سابقه دارد، ایفای نقش دوگانه دولت پاکستان در زمینه باشد که مورد آخری را بسیاری از کارشناسان امور نیز تأیید مینمایند.

پس از اینهمه، از یکجانب، مسلماً دهشت افگنان پاکستانی در مناطق سرحدی مورد فشار قرار داده شده اند، بگمان اغلب که در نتیجه عملیات های نظامیان پاکستان، توافق نانوشته ای میان مقامات رسمی اسلام آباد و تشدد طلبان مذهبی بدست آمده بود. از جانب دیگر، چنین پنداشته میشود که پاکستان بصورت دوامدار از طالبان افغان نیز پشتیبانی بعمل آورده و به این موضعگیری اش همچنان ادامه میدهد. بنابر همین ملحوظ و بطور مفهوم شده ای، ارتش پاکستان از انجام عملیات پاکسازی در وزیرستان شمالی که عمدتاً طالب ها در آنجا پناه گرفته بودند، بازداشته میشود. همچنان پاکستان اصلاً اجازه نمیدهد و نمیگذارد تا ایالات متحده در جنگ و نبرد کنونی با بنیادگرایی موفق و پیروز گردد، چنانچه پیروزی یادشده از یکجانب باعث تقویه حاکمیت سیاسی در کشور ما گردیده و از جانب دیگر بگفته نظامیان پاکستانی، باعث وسعت و تشدید نفوذ هند در افغانستان شده و در نتیجه، به کم رنگ شدن تأثیر و نفوذ پاکستان در افغانستان خواهد انجامید.

هند در افغانستان

کشور هند، از جمله اهدا کنندگان بزرگ در افغانستان بوده که با سرمایه گذاریهایش، بدنبال کسب موقعیت مناسب در کشور ما که بمثابة «دروازه» بجانب منابع غنی انرژی در آسیای میانه محسوب میگردد، میبایشد. هند علاقمند ثبات اوضاع در کشور ما و خواهان کاهش نفوذ پاکستان در افغانستان میبایشد. در شرایط کنونی، هندوستان از لحاظ حجم سرمایه گذاری در اقتصاد افغانستان مقام ششم را از آن خود نموده است (حدود مبلغ ۲،۱ میلیارد دلار). کنون بتعداد ۴ هزار نفر از باشندگان کشور هندوستان در افغانستان بود و باش دارند که عمدتاً شامل محافظان امنیتی و متخصصانی میگردد که در پروژه های مربوط به بازسازی در افغانستان به فعالیت مشغول میباشند. آموزش نیروهای پولیس افغانستان، کمک در عرصه آموزش و تعلیم و تربیه، صحت، انرژی و عرصه ارتباطات، بخش دیگر فعالیت های هندوستان را در افغانستان تشکیل میدهد. همچنان در کنار موجودیت سفارت آن کشور در کابل، بتعداد چهار قونسلگری هندوستان نیز در شهرهای هرات، مزار شریف، جلال آباد و کندهار فعالیت مشغول میباشند. هند در تطبیق طرح بازسازی سد آبی در ولایت هرات سهم فعال خواهد گرفت، همچنان مسأله ختم ساختمان پارلمان افغانستان را در دست اجرا قرار داده است.

هندوستان، بمنظور اجرای برنامه های کاربردی با استفاده از «قدرت نرم» امیدوار میبایشد. قابل یادآوریست که افکار عمومی در افغانستان بمثابة یک کل، در ارتباط با هند از نحوه مطلوبی برخوردار

بوده، محصولات هندی بصورت وسیعی در بازارهای محلی کشور موجود بوده، سهم کشور یادشده در بخش تلویزیون نیز قابل یادآوری بوده و همچنان صنعت فیلم سازی آن کشور در اجتماع افغانی علاقمندان بیشماری دارد.

دولت هندوستان در بندرچاه بهار ایران (جاده دلارام - زرنج)، در سرحد با ایران که راه اضافی عبور به بحر را از طریق ایران برای افغانستان مساعد و مهیا میسازد نیز سرمایه گذاری نموده است. بدین ترتیب، جایگزین مسیر تأمین کالاهای مورد نیاز افغانستان (بادورزدن پاکستان) ایجاد میگردد.

متذکر باید گردید که منافع ستراتیژیک هندوستان، از جمله در امر ثبات در افغانستان و تحکیم بیش از پیش حاکمیت مرکزی در کابل نهفته میباشد که این بخودی خود، سبب تقلیل و کاهش خطر تهدیدات تروریستی در منطقه میگردد. پس از اینهمه، در مدت زمان حاکمیت طالبان، افغانستان به پناهگاه تروریست ها مبدل گردیده و مراکز عدیده ای بمنظور تربیه و آموزش خرابکاران در اراضی کشور ما وجود داشت. در اوضاع و احوال کنونی نیز یک سر کلیه اقدامات تروریستی به سازمانهای استخباراتی و محافل حاکمه پاکستان ارتباط میگیرد. دهلی جدید، چنین میبندارد که موجودیت رژیم بنیادگرا در کابل، ممکن به صدور ایدئولوژی افراطیت مبادرت ورزیده و اوضاع عمومی منطقه را بصورت یک کل متشنج نماید.

باید خاطر نشان گردد که تشدد گرایان در صدد برهم زدن و تخریب مواضع سیاسی هند در کابل میباشند. خدمات دیپلماتیک هند، بصورت متواتر توسط نیروهای بنیادگرا و تشدد طلبانی که در سرزمین افغانستان موقعیت دارند، مورد تهدید قرار میگیرد. چندی قبل در نتیجه اقدامات خرابکارانه تروریستهای انتھاری، در سفارت هندوستان واقع در کابل، بتعداد ۴۰ نفر به قتل رسیدند. پس از مدت زمان اندکی از اقدامات متذکره، مجدداً در دهلی جدید، اقدامات تخریبکارانه و تروریستی انجام گرفت.

تاریخ نگارش این نېشته: بیست و هفتم ماه سپتامبر سال ۲۰۱۵